



پیام باستان‌شناسی

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۷، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



پیشنهاد کلی برای تعیین محدوده عرصه و حریم بافت تاریخی ثبت شده میبد

عبدالمهدی همت‌پور^۱، مریم کلبادی‌نژاد^۲، محمداقبال چهری^۳

۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ و باستان‌شناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: kolbadimaryam0@gmail.com

۳ استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله:	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷	شهر میبد یکی از شهرهایی است که تا حدودی اصالت بافت تاریخی خود را حفظ کرده است. ویژگی‌های شاخص این بافت شامل استخوان‌بندی منظم، پیوستگی فضایی در عین گسستگی بافت‌ها و ارتباط میان عناصر کلیدی مانند بازار، کاروانسرا، مسجد جامع و ارگ حکومتی است. تعیین محدوده‌ی عرصه و حریم این شهر، ابزاری حیاتی برای مدیریت حفاظت از بافت تاریخی و پیشگیری از تأثیرات مخرب عوامل انسانی و طبیعی به شمار می‌آید و می‌تواند به تقویت مدیریت یکپارچه آن کمک کند. این مطالعه با روش تحقیق کیفی و ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، با هدف ارائه پیشنهادهایی برای تعیین عرصه و حریم، اهمیت آن را به‌عنوان ابزار مدیریت مؤثر بافت تاریخی بررسی می‌کند. کارکرد اصلی تعیین محدوده، صیانت از ارزش‌های برجسته بافت تاریخی است. هرچند مفهوم حریم در ایران به‌طور گسترده به‌کار گرفته شده، اما اغلب توجهی به سودمندی آن برای جامعه محلی نشده است؛ این بی‌توجهی می‌تواند به نارضایتی ساکنان و ناکامی اهداف حفاظت منجر شود. با توجه به گسترش بافت تاریخی میبد و تهدیدات ناشی از توسعه شهری و تغییرات کاربری، این پژوهش سه سناریوی پیشنهادی برای تعیین محدوده عرصه و حریم ارائه می‌دهد تا فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی حفاظت بافت تاریخی تسهیل شود و تمامی اجزای ارزشمند شهری در قالب یک سیستم یکپارچه مورد توجه قرار گیرند.
واژگان کلیدی: میبد عرصه و حریم باستان‌شناسی میراث فرهنگی	

* استناد: همت‌پور، عبدالمهدی، کلبادی‌نژاد، مریم، چهری، محمداقبال (۱۴۰۴). پیشنهاد کلی برای تعیین محدوده عرصه و حریم بافت تاریخی ثبت شده

میبد. پیام باستان‌شناسی، ۱۷(۳۳)، ۱۴۳-۱۵۶.

<https://doi.org/10.71794/PEB.2026.1211733>

۱. مقدمه

ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و تمدنی هر جامعه در کالبد فضاهای شهری و معماری آن تجلی می‌یابد و بخش مهمی از فرهنگ و تاریخ یک جامعه در ساختار شهر و اجزای آن بازتاب می‌یابد. از این رو، برای معرفی و شناخت یک شهر، تبیین عناصر اصلی و شکل‌دهنده آن ضروری است. در عین حال، بستر طبیعی شهر و محیط پیرامونی آن نقش مؤثری در فرایند گسترش شهری ایفا می‌کند و عناصر غیرکالبدی همچون عوامل طبیعی، فرهنگی و اجتماعی بر پیوستگی فضایی و ساختار شهر تأثیرگذارند و در برخی موارد موجب شکل‌گیری لکه‌هایی مجزا اما مرتبط می‌شوند. با این حال، نباید از نقش رخدادهای تاریخی در فرایند شکل‌گیری و تحول کالبدی شهر غافل ماند.

در دوران اسلامی، شهر افزون بر ارگ حکومتی، دارای عناصر اساسی همچون فضاهای سکونت، مراکز تجاری و مکان‌های مذهبی بوده که در قالب محله‌های مسکونی، بازار و مسجد جامع سازمان می‌یافته‌اند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۲۸). شهر میبد از جمله شهرهایی است که ریشه‌های شکل‌گیری آن به دوره پیش از اسلام بازمی‌گردد و در ادوار مختلف تاریخی، به‌ویژه دوران اسلامی، به‌دلیل موقعیت راهبردی خود - از جمله قرارگیری در مسیر راه اصلی ری-کرمان - همواره مورد توجه بوده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی این شهر می‌توان به دسترسی‌های محلی، استخوان‌بندی منظم، پیوستگی فضاها در عین گسست بافت‌ها، باغات به‌هم‌پیوسته و ارتباط ارگانیک میان بازار، کاروانسرا، مسجد جامع و ارگ حکومتی در هسته مرکزی شهر اشاره کرد. به‌طور کلی، سه محله اصلی «میبد بالا»، «میبد پایین» و «کوچک (کچک)» ساختار اولیه شهر تاریخی میبد را شکل داده‌اند و سایر عناصر و محلات در دوره‌های بعدی در پیرامون آن‌ها گسترش یافته‌اند (حیدریه‌زاده، ۱۳۵۷: ۲۲).

شواهد نشان می‌دهد که گسترش شهر میبد در چند دهه اخیر به‌صورت بی‌برنامه و با رشدی شتابان صورت گرفته است. خیابان‌کشی‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی، هم‌زمان با ورود خودرو - همانند بسیاری از

شهرهای ایران - موجب گسست ساختار متراکم و منسجم محلات، بازار و کلیت شهر شده و امروزه نشانه‌های اندکی از پیوستگی پیشین آن باقی مانده است. ساختار اصلی شهر مجموعه‌ای پیوسته از عناصر محلات بوده که به دو گروه عناصر مصنوعی و طبیعی تقسیم می‌شود. عناصر مصنوعی شامل بناها، مراکز فعالیت، شبکه راه‌ها و فضاهای باز است و عناصر طبیعی رودخانه، زمین شهر و ناهمواری‌های آن، پوشش گیاهی و باغات مرتبط با محلات را در بر می‌گیرد (اشرف، ۱۳۵۳: ۵۹). بافت‌های تاریخی میبد در گذشته از هارمونی و هماهنگی میان اجزای خود برخوردار بوده و سیمایی یکپارچه و موزون به شهر می‌بخشیده‌اند؛ اما امروزه، در نتیجه گسترش نامتوازن و تغییر در تاروپود این بافت‌ها، وحدت و یکپارچگی آن‌ها تضعیف شده و در بلندمدت می‌تواند به فروپاشی کلیت منسجم بافت تاریخی بینجامد (ذاکر عاملی، ۱۳۸۵: ۲۲).

از دهه ۱۹۹۰ میلادی، روش‌های تحقیق در حوزه‌های روستایی و شهری با تأکید بر دو چارچوب کیفی و کمی گسترش یافته‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۵). روش پژوهش حاضر کیفی، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است؛ چراکه در پی شناسایی الگوهای مناسب تعیین عرصه و حریم برای کاربست در بافت تاریخی میبد تنظیم شده است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مرور اسناد و متون مرتبط، و نیز مطالعه موردی و بازدیدهای میدانی گردآوری شده‌اند. در گام نخست، چالش‌ها و راهکارهای مطرح در موضوع مقاله شناسایی شده، سپس انواع عرصه و حریم شهر میبد تعیین گردیده و در نهایت، با اتکا به مبانی نظری و عملی، استانداردهای حرفه‌ای، بررسی‌های میدانی و استدلال منطقی، پیشنهادهایی برای تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی میبد ارائه می‌شود. هدف نهایی پژوهش، ارائه چارچوبی برای مدیریت حفاظت یکپارچه از بافت تاریخی ثبت‌شده میبد است.

سؤال اصلی پژوهش آن است که چه پیشنهادهایی می‌توان برای تعیین عرصه و حریم بافت تاریخی میبد - ثبت‌شده در فهرست آثار تاریخی ایران - ارائه داد تا به ابزاری

ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی گردآوری شده‌اند. در بخش کتابخانه‌ای، اسناد ثبتی، متون نظری مرتبط با حفاظت بافت‌های تاریخی، دستورالعمل‌ها و اسناد بین‌المللی (به‌ویژه یونسکو) و پژوهش‌های پیشین مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش میدانی، بازدیدهای میدانی از بافت تاریخی شهر میبد، بررسی ساختار کالبدی، نظام فضایی، عناصر طبیعی و مصنوعی، و ارتباط میان محلات تاریخی انجام شد. سپس با بهره‌گیری از تحلیل‌های تطبیقی، داده‌های حاصل از مطالعات نظری و مشاهدات میدانی تلفیق گردید. در ادامه، بر اساس شاخص‌های تاریخی، اجتماعی-اقتصادی، کالبدی و منظر، انواع عرصه و حریم شناسایی و سه سناریوی پیشنهادی برای تعیین محدوده عرصه و حریم بافت تاریخی میبد ارائه شد. هدف نهایی، تدوین چارچوبی برای مدیریت یکپارچه و مؤثر حفاظت از بافت تاریخی شهر است.

۳. معرفی اجمالی جغرافیای شهر میبد

دشت یزد-اردکان، به‌عنوان یکی از حوزه‌های شاخص جغرافیایی در فلات مرکزی ایران، از دیرباز یکی از مفاصل مهم ارتباطی میان حوزه‌های تمدنی شمال، جنوب‌غرب و جنوب‌شرق کشور به‌شمار می‌رفته است. این دشت به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خاص خود، نقشی مؤثر در شکل‌گیری و تداوم استقرارهای انسانی و شبکه‌های ارتباطی تاریخی ایفا کرده است. شهر میبد در میانه این دشت قرار دارد و از این منظر، جایگاهی راهبردی در نظام فضایی منطقه به خود اختصاص داده است.

میبد در مختصات جغرافیایی طول ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه شرقی، عرض ۳۲ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی و در ارتفاع ۱۰۹۰ متر از سطح دریا واقع شده است. این شهر در فاصله حدود ۶۰ کیلومتری شمال شهر یزد و ۶۰ کیلومتری جنوب عقدا قرار دارد (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۹۵: ۵). از نظر ارتباطات منطقه‌ای، میبد با شهر اردکان از طریق خیابانی در جبهه شمالی، دارای مرز مشترک است و پیوند فضایی نزدیکی با آن دارد.

کارآمد برای مدیریت یکپارچه این بافت تبدیل شود؟ فرضیه تحقیق بر این اساس است که هسته نخستین شکل‌گیری شهر میبد به دوره پیش از اسلام و محدوده شارستان و بیرونه آن بازمی‌گردد و می‌توان سه پیشنهاد کلی برای تعیین عرصه و حریم محلات تاریخی شهر ارائه کرد. رویکرد تعیین عرصه و حریم، چارچوبی برای تصمیم‌گیری‌های حفاظتی در بافت یا اثر تاریخی فراهم می‌آورد و امکان برنامه‌ریزی و اجرای مؤثر فعالیت‌ها را تسهیل می‌کند (UNESCO, 2011, Article 8).

برای دستیابی اصولی به تعیین حریم‌های بافت تاریخی میبد، لازم است شاخص‌هایی مشخص تعریف شود و بر مبنای آن‌ها ضوابط مدون هر حریم تدوین گردد. در این راستا، انواع حریم شامل حریم منظر^۱، حریم عملکردی^۲ و حریم حفاظتی^۳ مدنظر قرار می‌گیرد. در تعیین ضوابط هر یک از این حریم‌ها، عواملی چون شرایط محیطی، اقلیم، آینده مجموعه، شرایط زیستی ساکنان، ارزش بخش‌های مختلف شهر، امکانات و محدودیت‌های موجود، چارچوب‌های قانونی و نظام مدیریتی باید مورد توجه قرار گیرد. گستره حریم بافت تاریخی نیز باید به‌گونه‌ای تعیین شود که بافت و محیط پیرامونی آن را به‌طور کامل تحت پوشش قرار دهد (Chairatananonda, 2011).

۲. روش پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و با ماهیتی توصیفی-تحلیلی است و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. داده‌های پژوهش از طریق

^۱ همه آن فضایی است که از آن بتوان بافت تاریخی را رویت نمود یا از بافت میبد بدان نظر افکند.

^۲ برای تضمین آینده بویای مجموعه بافت تاریخی میبد و تقویت پیوستگی کارکردهای شهر و مراکز تاریخی، تعیین کارکردهای مطلوب، قابل توصیه و نامطلوب مهم است.

^۳ این حریم برای پیشگیری از فروریختن و یا آسیب دیدن کالبد بافت تعیین می‌شود و با توجه به وضعیت کالبدی مجموعه بافت تاریخی میبد و مخاطرات محتمل برای آن قابل تغییر است. در این حریم فعالیت‌ها، استحداث و کاربری‌های آسیب‌رسان و ضوابط آن‌ها تعیین شده و در واقع در مفهوم کالبدی تفسیر می‌شود.

در این رویکرد، ثبت نه‌تنها شامل بناها و محوطه‌های شاخص، بلکه دربرگیرنده کل عرصه شهر از نظر جغرافیایی بود؛ به‌گونه‌ای که توپوگرافی، عوارض طبیعی زمین، شبکه معابر، باغات پیوسته و به‌طور کلی تمامی زمینه‌های کالبدی و فضایی شهر را شامل می‌شد. ثبت کلیت نظام شهرسازی میبید، افزون بر تأکید بر تمامیت پهنه جغرافیایی، توجه به ادوار مختلف زمانی حیات شهر را نیز ضروری می‌ساخت. از این‌رو، برخلاف رویه گذشته که تنها آثار با بیش از یکصد سال قدمت مشمول ثبت و حمایت می‌شدند، ثبت کل شهر تاریخی میبید به‌طور ضمنی دربرگیرنده آثار، ابنیه و مکان‌هایی متعلق به تمامی دوره‌های حیات شهر، از گذشته‌های دور تا دوره‌های معاصر است. بدین‌ترتیب، تمامیت جغرافیایی شهر تنها در پیوند با تمامیت تاریخی آن معنا می‌یابد و هدف ثبت، صرفاً ارزیابی تک‌بناها یا آثار شاخص و قابل رؤیت نبوده است.

اغلب بافت‌های تاریخی میبید با فاصله‌ای اندک از خیابان‌های اصلی آغاز می‌شوند. پلاک‌های واقع در بر خیابان‌های اصلی، همانند بسیاری از شهرها، عمدتاً شامل کاربری‌های تجاری و مغازه‌ها هستند و نشانی از قدمت تاریخی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. این خیابان‌ها محصول گسترش شهر، به‌ویژه اجرای طرح‌های شهری در دوره پهلوی دوم و سال‌های پس از انقلاب اسلامی‌اند و معمولاً در لبه یا درون محله‌های تاریخی احداث شده‌اند. با این حال، تنها با اندکی فاصله گرفتن از این محورهای اصلی و ورود به بافت، تفاوت‌ها آشکار می‌شود: رنگ خاک، انحناهای نرم گذرگاه‌ها، کوچه‌های باریک و پرپیچ‌وخم، بن‌بست‌های تنگ و گاه تاریک، همگی بیانگر حضور یک بافت تاریخی زنده‌اند. هرچند میان محله‌های تاریخی مختلف میبید، تفاوت‌هایی در الگوی شبکه معابر، تراکم ساختمانی و وسعت واحدهای مسکونی مشاهده می‌شود (فلاح، ۱۳۸۰: ۱۷).

از منظر عابر غیرحرفه‌ای، یک عنصر مشترک در سراسر این بافت‌ها حضور پررنگ دارد: دیوارهای کاه‌گلی که هر خانه را همچون قلعه‌ای دربر گرفته‌اند. در کنار این ویژگی‌ها، گذر زمان و بی‌توجهی به بناهای تاریخی نیز

از لحاظ ویژگی‌های طبیعی، در سمت غرب شهر، ارتفاعات جنوبی عقدا امتداد یافته‌اند، در حالی که در اراضی شرقی و شمالی میبید، دشت‌های هموار و باز گسترش یافته است (شکل ۱). این ترکیب توپوگرافیک، نقش مهمی در شکل‌گیری الگوی استقرار، جهت گسترش شهر و سازمان فضایی آن در دوره‌های مختلف تاریخی داشته و بستر مناسبی برای توسعه سکونتگاه‌های انسانی و فعالیت‌های کشاورزی و ارتباطی فراهم آورده است.



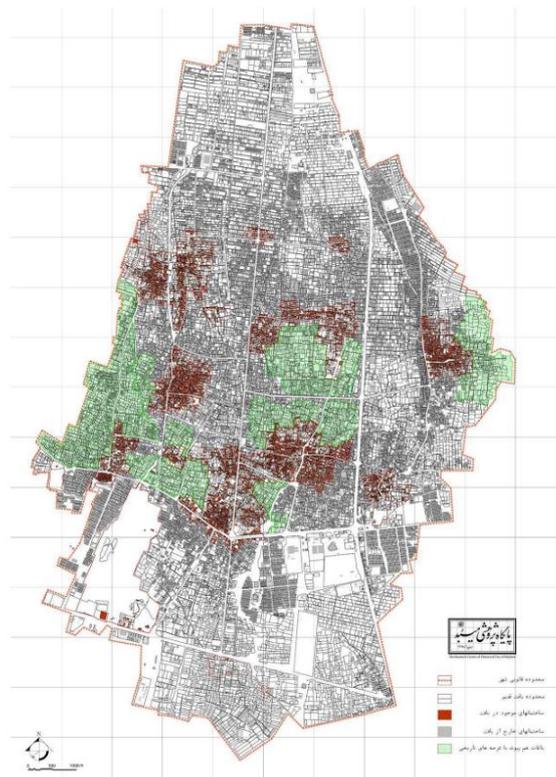
شکل ۱: عکس هوایی سال ۱۳۹۹ (ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۹۹)

شهر تاریخی میبید در سال ۱۳۷۹ با شماره ۳۴۹۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید (پرونده ثبتی میبید، ۱۳۷۹: ۲). ثبت چنین پهنه‌ای گسترده و کلیت نظام شهرسازی میبید به‌عنوان یک «آرکی‌تایپ» از شهرسازی ایرانی، از همان ابتدا موضوعی چالش‌برانگیز به‌شمار می‌رفت. این رویکرد، برخلاف روند متعارف ثبت آثار که معمولاً به محدوده‌ای محدود از یک بنا یا محوطه خاص و عرصه‌های بلافصل پیرامون آن اختصاص می‌یافت، برای نخستین بار ثبت کلیت نظام شهرسازی یک شهر تاریخی را مطرح کرد.

مستندات، تحلیل وضعیت و تبیین ارزش‌ها در محدوده شارستان میبد اختصاص دارد (پرونده ثبتی میبد، ۱۳۷۹). در این پرونده، به‌جز محدوده شارستان که دارای حصار، برج‌وبارو و مرزهای مشخص بوده و شواهد کالبدی آن نیز همچنان قابل مشاهده است، برای کلیت شهر تاریخی، حد و مرز مشخصی پیشنهاد نشده است. به‌طور کلی، میبد به‌عنوان یک شهر تاریخی بدون مرز فضایی دقیق به ثبت رسیده که این امر، در کنار برخی مزایا، موجب بروز نوعی دوگانگی در برداشت از محدوده تاریخی شهر شده است. این دوگانگی در تعریف محدوده ثبتی شامل دو دیدگاه اصلی است: نخست، محدوده شارستان میبد با بافتی منسجم شامل سه محله تاریخی، ارگ نارین‌قلعه، مسجد جامع و بازار که همگی درون حصار شهر قرار داشته‌اند؛ و دوم، محدوده مرکزی شارستان به‌همراه تمامی بیرونه‌های هفده‌گانه میبد که برخی در پیرامون شارستان و برخی دیگر با فاصله‌ای کم یا زیاد و به‌صورت پراکنده شکل گرفته‌اند. امروزه اغلب این بیرونه‌ها در محدوده شهر کنونی میبد قرار گرفته‌اند و شماری از آن‌ها نیز خارج از مرزهای فعلی شهر واقع شده‌اند (شکل ۲).

به‌صورت فرسودگی، تخریب تدریجی، فروریختگی و گاه انباشت زباله و نخاله‌های ساختمانی در فضاهای رهاشده قابل مشاهده است. در عین حال، در میان بافت خشت و گلی یا در کنار توده‌های خاک، گاه ساختمان‌هایی با مقیاس بزرگ و مصالح و ویژگی‌های معماری معاصر سر برآورده‌اند. بر این اساس، در بافت تاریخی میبد، «قدیم» و «جدید» به‌صورت هم‌زمان و در کنار یکدیگر حضور دارند، اما از نظر معماری و منظر بصری، هماهنگی و هم‌خوانی میان این دو به‌چشم نمی‌خورد.

چشم‌اندازهای مناسب برای آثار تاریخی، این امکان را فراهم می‌کنند که شهروندان فرصت شناخت و درک ارزش‌های کالبدی-فضایی، زیبایی‌شناختی، تاریخی، فرهنگی و هویتی شهر را به‌دست آورند (Mayor of London, 2012: 29). در روند ثبت بافت فرهنگی-تاریخی شهرستان میبد، همواره تأکید بر کلیت نظام شهرسازی میبد، مشتمل بر ارگ، شارستان و بیرونه‌ها بوده است. با این حال، اگرچه در پرونده ثبتی بر تمامیت ساختار شهرسازی میبد تأکید شده و تنها یک نقشه کلی از این ساختار ارائه گردیده است، بیش از ۹۰ درصد حجم پرونده ثبتی به



شکل ۲: محدوده بافت تاریخی شهر میبد و باغ‌های هم‌پیوند میبد (ماخذ: طرح جامع میبد، ۱۴۰۰).

تکامل محلات، حصار و باروی شارسرستان، این برداشت تا حد زیادی قابل قبول به نظر می‌رسد.

محلات امروزی شهر، که در گذشته به‌عنوان آبادی‌های پیرامونی شناخته می‌شدند، همچنان با نام‌های تاریخی خود مانند فیروزآباد، بشنیغان، مهرجرد، بارجین و بیده در حافظه جمعی ساکنان حضور دارند. در نظام اقتصادی شهر نیز هر یک از این آبادی‌های خارج از شارسرستان از نوعی استقلال درونی برخوردار بوده‌اند. با این حال، می‌توان گفت هر یک از آن‌ها، افزون بر فعالیت‌های معیشتی رایج نظیر کشاورزی، باغداری و دامداری محدود، در حرفه یا مهارت خاصی تخصص داشته‌اند و در مجموع، همگی در قالب یک سامانه یکپارچه در خدمت شارسرستان یا مادرشهر عمل می‌کرده‌اند.

اگرچه بررسی نظام کشاورزی و شیوه‌های آبیاری منطقه نیازمند پژوهشی مستقل و جامع است، شواهد موجود نشان می‌دهد که آبادی‌های پیرامون شارسرستان، در تمام جهات جغرافیایی میبید، با وجود استقلال نسبی محله‌ای، تحت مدیریت واحد یک شهر قرار داشته‌اند. همچنین، هرچند این آبادی‌ها دارای بازارها و بازارچه‌های محلی بوده‌اند، راسته بازار اصلی شهر در داخل شارسرستان شکل گرفته و نقش تنظیم‌کننده جریان‌های اقتصادی کل شهر را بر عهده داشته است. بر این اساس و با توجه به روابط اجتماعی، روایات شفاهی و ساختار نظام اقتصادی، می‌توان شهر تاریخی میبید را از نظر اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان یک مادرشهر دانست که هسته اصلی آن در شارسرستان متمرکز بوده است. بنابراین، در تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی میبید، توجه به ارزش‌های سه‌گانه زیبایی‌شناختی، محیطی و اجتماعی و نحوه تعامل میان آن‌ها ضرورتی اساسی دارد (Thompson, 2005).

۶. عوارض طبیعی محدودکننده بافت شهر تاریخی میبید

آگاهی از وضعیت شیب زمین، مسیرها، کاربری‌های فعلی بافت تاریخی و دانه‌های ارزشمند آن، چه به‌صورت موقت و چه دائمی، این امکان را فراهم می‌سازد تا کارکردهایی برای

۴. بازنگری در تعیین محدوده شهر تاریخی میبید

تعیین محدوده عرصه و حریم شهرهای تاریخی باید به‌عنوان ابزاری بنیادین در نظام حفاظت در نظر گرفته شود؛ ابزاری که لازم است به‌صورت شفاف منافع و نقش ذی‌نفعان محلی را لحاظ کرده و با سایر نظام‌های مدیریت شهری هماهنگ باشد (Lake, 2015). در همین راستا، توصیه‌های کنفرانس سال ۲۰۱۱ کمیته میراث جهانی یونسکو بر بهبود ارتباط یکپارچه میان حفاظت و مدیریت شهرهای تاریخی از طریق تعیین دقیق عرصه و حریم تأکید دارد (ریاحی مقدم، ۱۳۹۱: ۲۳). از سوی دیگر، ضروری است تضمینی وجود داشته باشد که حریم به‌عنوان ابزاری کارآمد برای اجرای ضوابط و مقررات حفاظتی در محدوده آثار تاریخی عمل کند (Marshall, 2011).

شهر میبید در وضعیت کنونی حاصل به‌هم‌پیوستن هسته‌های زیستی متعددی است که در طول تاریخ به‌تدریج شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. پراکندگی ساخت‌وسازها و استقرار جمعیت در این شهر همگن نبوده و از الگوهای متنوعی تبعیت می‌کند. عدم تمرکز شهر در یک نقطه مشخص و فقدان یک عرصه بسته و منسجم، شرایط ویژه‌ای را در ساختار شهرسازی میبید پدید آورده است که آن را از بسیاری از شهرهای تاریخی ایران متمایز می‌سازد.

۵. روابط اجتماعی و نظام اقتصادی حاکم بر شهر تاریخی میبید

روابط اجتماعی ساکنان و پیوندهای میان آن‌ها از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند در تعیین حدود شهر تاریخی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. در حافظه تاریخی و روایت‌های شفاهی ساکنان منطقه، هرگاه سخن از میبید و محدوده آن به میان می‌آید، معمولاً به شارسرستان اشاره شده و بر محله بالا^۴ تأکید می‌شود. با توجه به دوره شکل‌گیری شهر، توسعه تدریجی آن در بیرون از نارین‌قلعه و سیر

^۴ توسعه شهر تاریخی میبید خارج از حصارهای کهن دژ، در مراحل اولیه بر روی بلندای غربی منطقه شکل گرفته است. این هسته تاریخی نفوذناپذیر را امروز «محله بالا» گویند. همچنین محله‌های پایین و محله کوچک در دوره‌های بعدی درون حصار رشد کرده‌اند.

است؛ به طوری که باستان‌شناسان قدمت برخی از این محوطه‌ها را دست‌کم به حدود چهارده هزار سال پیش نسبت داده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

با وجود این، نقش و نفوذ نارین‌قلعه به‌عنوان یک قلعه حکومتی و کانون قدرت سیاسی در حوزه فرهنگی منطقه قابل پذیرش است. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان گفت که میبد دست‌کم در هزار سال گذشته، به‌ویژه در دوره استقرار حکومت محلی آل مظفر، به‌عنوان یک مادرشهر بر محدوده‌ای بسیار گسترده - از عقدا و هفتادر در اردکان تا ابرندآباد در نزدیکی شهر یزد - تأثیرگذار بوده است (پویا، ۱۳۹۵: ۴۴). این نفوذ افزون بر ساختار سیاسی، در شیوه‌های معماری، الگوهای بومی ساخت‌وساز و نیز پراکنش آثار و نشانه‌های سفالی در پیرامون میبد قابل مشاهده است.

۸. محلات تاریخی میبد و محدوده بافت‌های تاریخی

اطلاعات اندکی درباره تعداد محلات قدیمی میبد و موقعیت دقیق آن‌ها در دست است، با این حال بخش قابل توجهی از این محلات همچنان موجود بوده و ساختار کالبدی خود را حفظ کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد نام برخی از محلات مانند فضل‌آباد، مبارکه، نصرت‌آباد و حاجب‌آباد در گذر زمان تغییر یافته، یا در اثر عواملی چون سیلاب، خشکیدن آب قنات، متروک شدن و یا مدفون شدن در طوفان‌های شن از میان رفته باشند (افشار، ۱۳۷۴: ۲۱۶).

محلات متأخرتر میبد همچون امیرآباد، مهرآباد، کاظم‌آباد، ده‌شیخی و اکبرآباد از جمله سکونتگاه‌هایی هستند که در دوره قاجار شکل گرفته و همراه با باغات هم‌پیوند، به‌تدریج با شهر قدیم پیوند خورده‌اند و ساختار کالبدی شهر تاریخی میبد را در دوره‌های متأخر تکمیل کرده‌اند (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۸) (شکل‌های ۳ و ۴).

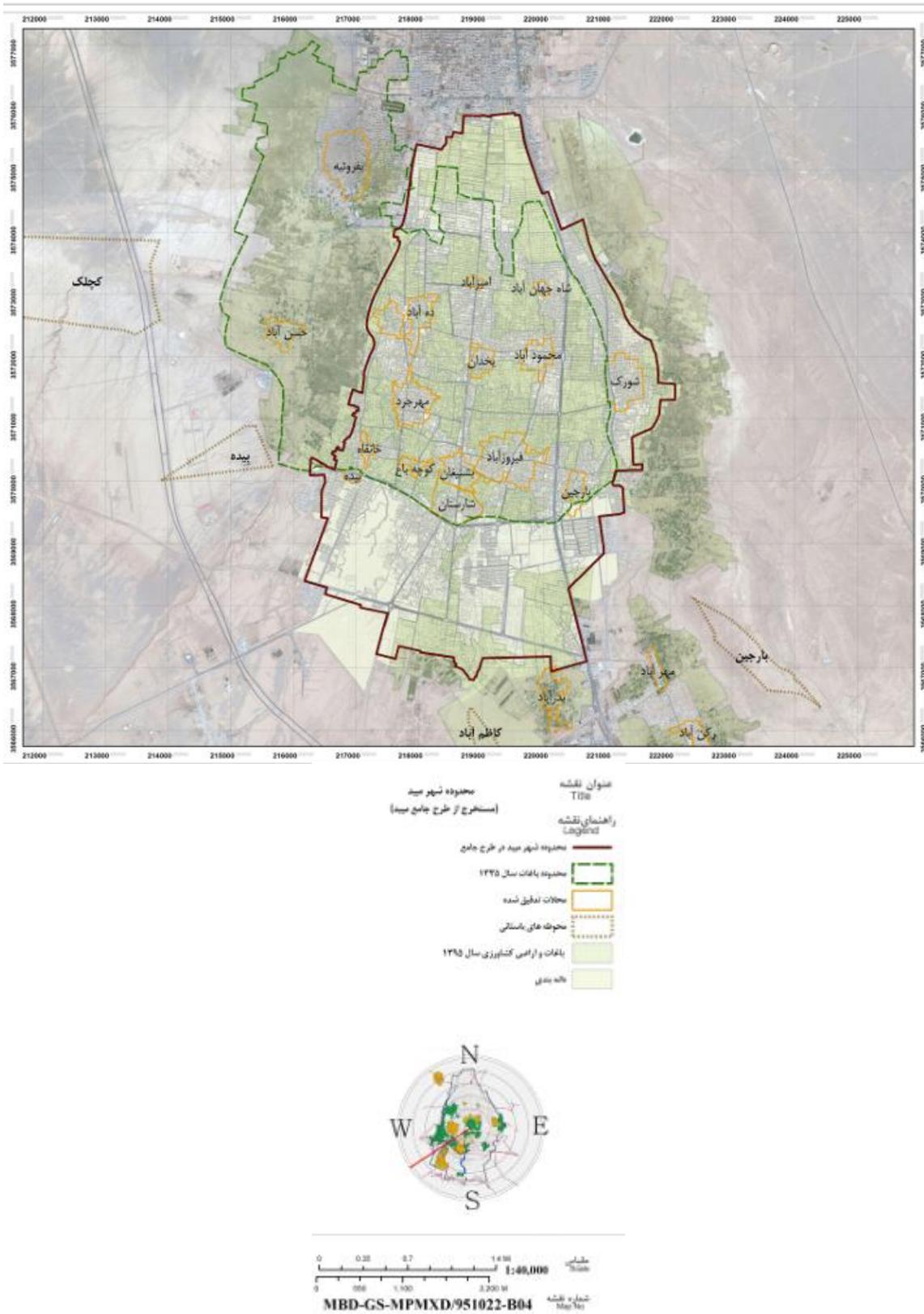
بافت تعریف شود که ضمن هدایت و ارتقای فعالیت‌های موجود، به ساختار تاریخی آن لطمه‌ای وارد نکند و در عین حال قابلیت برچیدن و بازگشت‌پذیری داشته باشد (Australia ICOMOS, 1992: 6).

دشت وسیع یزد-اردکان، با برخورداری از منابع آبی روزمینی و زیرزمینی که در طی دوره‌های زمین‌شناسی در خود ذخیره کرده است، همواره بستری مناسب برای سکونت انسانی به‌شمار می‌رفته است. شهرهایی چون یزد، میبد، اردکان و عقدا در دامنه این دشت رسوبی شکل گرفته و تداوم حیات یافته‌اند. در گذشته، تمامی سیلاب‌های فصلی از سمت جنوب میبد جریان داشته و از طریق مسیل‌های طبیعی در پهنه‌ای هموار مستقر می‌شده‌اند. این ویژگی نقش بسزایی در شکل‌گیری جنس خاک مناسب منطقه برای سفال‌گری، کشاورزی و احداث بناهای خشتی و گلی ایفا کرده است.

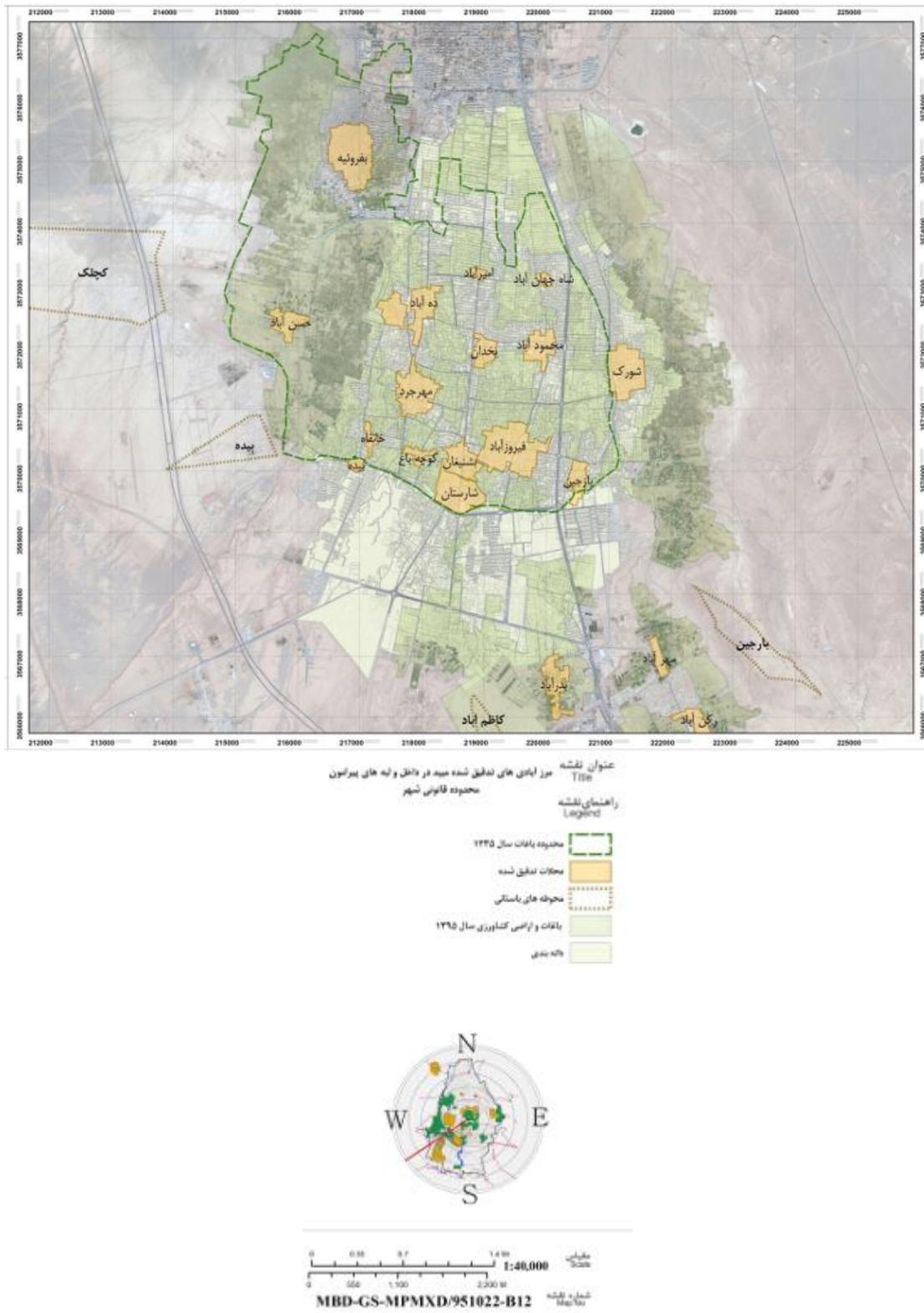
شکل‌گیری شهر، روند توسعه آن و ریخت کالبدی موجود، تابع تراس جغرافیایی رسی منطقه بوده و شهر در دامنه شیب تند شمال به جنوب دشت استقرار یافته است؛ به‌گونه‌ای که در محدوده شارستان میبد افتادگی قابل توجهی مشاهده می‌شود. این پدیده که حاصل تجمع توده‌ای فشرده از رس است، به‌عنوان یک تراس طبیعی شناخته می‌شود (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۵).

۷. قدرت و نفوذ فرهنگی-سیاسی میبد در محدوده پیرامونی

با توجه به اطلاعات نسبتاً محدود موجود درباره وضعیت استقرار و گستردگی شهر تاریخی میبد در ادوار کهن، اظهار نظر دقیق در خصوص میزان نفوذ و سیطره آن بر حوزه جغرافیای فرهنگی پیرامون در دوره‌های پیشین با دشواری همراه است. با این حال، مطالعات باستان‌شناسی اخیر در این حوزه فرهنگی نشان می‌دهد که محوطه‌های باستانی متعددی در اطراف میبد امروزی وجود داشته که سابقه سکونت و آبادانی آن‌ها به‌مراتب قدیمی‌تر از نارین‌قلعه



شکل ۳: احصای محدوده شهر مید با نرم افزار GIS (مستخرج از طرح جامع مید ۱۳۹۵) (نگارندگان، ۱۴۰۱).



شکل ۴: احصای مرز آبادی های تدقیق شده در داخل و لبه های پیرامون محدوده قانونی شهر با نرم افزار GIS (مستخرج از سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۹۵) (نگارندگان، ۱۴۰۱).

طبیعی و فرهنگی وابسته است؛ امری که ضرورت رویکردی یکپارچه در تعیین عرصه و حریم، برنامه‌ریزی حفاظتی و مدیریت کالبدی-فضایی این شهر تاریخی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

جدول ۱: محدوده‌های بافت فرهنگی-تاریخی میبد (ماخذ: پرونده ثبتی میبد در فهرست آثار ملی کشور، ۱۳۷۹)

ردیف نام محدوده	وسعت (هکتار)
۱ امیرآباد	۵/۳
۲ شاهجهان‌آباد	۴/۲
۳ ده‌آباد	۸۱/۷
۴ یخدان	۱۵/۱
۵ محمودآباد	۳۷/۶
۶ شورک (شهیدیه)	۳۴/۴
۷ مهرجرد	۴۳
۸ بیده و محوطه پیرچراغ	۱۰/۷
۹ خانقاه	۱۷
۱۰ بارجین	۲۲/۹
۱۱ بشنیغان	۱۲۹
۱۲ فیروزآباد	۱۲۹
۱۳ کوچه‌باغ	۱۲۹
۱۴ میبد مرکزی (شارستان)	۳۹
۱۵ شمس‌آباد	۱۳/۶
۱۶ باغ‌های هم‌پیوند	۳۷۶
۱۷ مسیل‌های تاریخی	۳۲
۱۸ محدوده باستانی پیرامون مسیل تاریخی	۱۲۰/۳

جدول ۲: محدوده‌های خارج از محدوده قانونی شهر کنونی میبد (ماخذ: پرونده ثبتی میبد در فهرست آثار ملی کشور، ۱۳۷۹)

ردیف نام محدوده	وسعت (هکتار)
۱۹ بفرئیه	۲۲/۳
۲۰ حسن‌آباد	۱۲/۷
۲۱ بدرآباد	۹/۶
۲۲ مررآباد	۶/۴
۲۳ رکن‌آباد	۱۶/۲۸
۲۴ کاظم‌آباد	۱۶/۲۱
۲۵ محردآباد	۵/۳۷
۲۶ حجت‌آباد	۱۱
۲۷ مزرعه کلاتر	۶/۴۸

محلات منظومه شهری میبد را می‌توان بر اساس موقعیت مکانی و الگوی استقرار، به چهار دسته اصلی تقسیم نمود (شکل ۵):

الف) محلات مرکزی میبد: شارستان، بشنیغان، کوچه‌باغ، خانقاه، بیده، مهرجرد، فیروزآباد و بارجین. این محلات هسته تاریخی و اصلی شهر را شکل داده و بیشترین پیوستگی کالبدی و عملکردی را با عناصر بنیادین شهر، همچون بازار، مسجد جامع و ارگ حکومتی، دارا هستند.

ب) محلات شمالی: ده‌آباد، حسن‌آباد، بفرئیه، طرازآباد، امیرآباد، محمودآباد، یخدان، شاهجهان‌آباد، شوروک، عشرت‌آباد و کاشف‌آباد. این محلات عمدتاً در روند گسترش تدریجی شهر به سمت شمال شکل گرفته و در پیوند با اراضی کشاورزی و باغات پیرامونی توسعه یافته‌اند.

ج) محلات جنوبی: شمس‌آباد، ده‌شیخی، بدرآباد، کاظم‌آباد، رکن‌آباد و مهرآباد. این محلات در ارتباط مستقیم با مسیرهای ارتباطی جنوبی و همچنین اراضی زراعی و باغی شکل گرفته و نقش مهمی در تکمیل ساختار فضایی شهر ایفا کرده‌اند.

د) هسته‌ها یا محلات پراکنده جنوبی: محمدآباد، جهان‌آباد و مزرعه کلاتر. این هسته‌ها به‌صورت پراکنده و با فاصله از بافت منسجم مرکزی شهر قرار داشته و بیشتر ماهیتی روستایی-کشاورزی داشته‌اند که به تدریج در فرآیند توسعه کالبدی شهر میبد در محدوده شهری ادغام شده‌اند.

بر اساس جمع‌بندی سطوح شناسایی شده، وسعت پهناهای مختلف بافت تاریخی شهر میبد به شرح زیر است:

- مجموع محدوده بافت تاریخی شهر میبد: ۴۵۳/۵ هکتار
- مجموع محدوده بافت تاریخی پیرامون شهر: ۱۰۶/۳۴ هکتار
- مجموع پهناهای هم‌پیوند بافت تاریخی: ۵۲۸/۳ هکتار

این ارقام نشان‌دهنده گستردگی قابل توجه بافت تاریخی میبد و پیوستگی فضایی آن با پهناهای پیرامونی و عناصر

۹. پیشنهاد تعیین محدوده عرصه و حریم بافت تاریخی

برقراری ارتباط بصری مناسب میان آثار تاریخی شهری و بناهای جدید واقع در محدوده‌های پیرامونی آن‌ها، افزون بر ارتقای کیفیت‌های بصری، موجب تقویت هویت و شخصیت بافت تاریخی شده و به درک عمیق‌تر ارزش‌های فرهنگی و تاریخی این آثار کمک می‌کند. هماهنگی طراحی بناهای جدید با عناصر ارزشمند و تاریخی موجود، نقش مؤثری در افزایش خوانایی کلی محدوده دارد. در مقابل، فرم کلی بناها و نشانه‌های به‌کاررفته در کالبد معماری جدید، چنانچه سبب ایجاد تضاد با زمینه تاریخی یا تضعیف برجستگی بصری آثار ارزشمند شوند، از میزان خوانایی و انسجام فضایی بافت خواهند کاست. این مؤلفه‌ها را می‌توان در دو دسته «عناصر» و «روابط میان عناصر» طبقه‌بندی کرد (Bentley et al., 1985: 78-82).

با توجه به پراکندگی هسته‌های زیستی در دشت یزد- اردکان که در گذشته بخشی از منظومه شهری میبد به‌شمار می‌رفته‌اند، اما امروزه دارای ساختار مستقل بوده و خارج از محدوده‌های قانونی شهرستان قرار دارند، به‌نظر می‌رسد در تعیین محدوده شهر تاریخی میبد و برنامه‌ریزی برای حفاظت از آن، محدوده‌های واقع در تقسیمات قانونی کنونی شهر به‌عنوان مبنای عمل در نظر گرفته شود. هدف اصلی از تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی میبد، تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت حفاظت از این شهر ارزشمند است؛ از این‌رو، اصول و محدوده‌های پیشنهادی نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت آتی بافت تاریخی خواهند داشت.

با عنایت به اینکه شهر تاریخی میبد از سال ۲۰۰۷ میلادی در فهرست موقت یونسکو برای ثبت جهانی قرار گرفته است، تعیین دقیق محدوده‌ها می‌تواند گامی مؤثر در تکمیل پرونده ثبت جهانی آن باشد. همچنین، راهنمای عملی اجرای کنوانسیون میراث جهانی در بندهای ۹۹ تا ۱۰۷ به‌طور مشخص به موضوع «حدود و مرزهای حفاظتی» و «حریم‌ها» پرداخته و اصول اساسی و کارکردهای مورد انتظار از آن‌ها را تبیین کرده است

(WHC, 2021: 33-34). بر پایه مطالعات انجام‌شده درباره تجارب تعیین محدوده در نمونه‌های شهری و روستایی کشور و با توجه به معیارهای مؤثر بر حدود شهر تاریخی میبد، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود.

۹.۱. پیشنهاد اول: تعیین عرصه و حریم بر اساس معیارهای اجتماعی و اقتصادی

بر اساس نظام اجتماعی و اقتصادی شهر میبد، محدوده‌ای که ساکنان آن به‌طور مشخص تحت عنوان «میبد» می‌شناسند، شامل ارگ نارین قلعه و محلات داخل حصار شارستان است. این محدوده از نظر ساختار اجتماعی و روابط داخلی محلات، نمایانگر هسته اصلی شهر تاریخی است. از دیدگاه محیطی و منابع طبیعی، عواملی مانند تراس طبیعی، مسیل‌ها، شبکه قنات‌ها و کیفیت خاک مناسب، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تثبیت این محدوده داشته‌اند. بر این اساس، ارگ نارین قلعه و محلات پیرامون آن که به تدریج شکل گرفته‌اند، به‌عنوان عرصه شهر تاریخی میبد شناخته می‌شوند.

استحکامات دفاعی، شامل دیوارها و دروازه‌های کهن شارستان، امکان تعیین دقیق مرزهای عرصه و لبه‌های امنیتی شهر را فراهم می‌کند. آبادی‌ها و بیرونه‌های پیرامون حصار، از شمال تا جنوب (مانند بفرویه و محمدآباد) به همراه باغات هم‌پیوند، به‌عنوان حریم شهر تاریخی در نظر گرفته می‌شوند.

۹.۲. پیشنهاد دوم: تعیین عرصه و حریم با نگاه تاریخی و منطری

در این رویکرد، محدوده کهن دژ و محلات داخل حصار شارستان به همراه هسته‌های تاریخی منفصل خارج حصار که اغلب مربوط به دوران پیش از آل مظفر هستند (شامل بارجین، بیده، مهرجرد، فیروزآباد، ده‌آباد، کوچه‌باغ و خانقاه) به‌همراه باغات هم‌پیوند، به‌عنوان عرصه اصلی شهر تاریخی تعریف می‌شوند. محدوده‌های پیرامونی شامل رکن‌آباد، بدرآباد، بفرویه، شورک و سایر آبادی‌های مرتبط، به همراه باغات هم‌پیوند و مسیرهای ارتباطی قدیمی،

هسته شمالی این منظومه امروزه بفروئیه است، در حالی که برخی آبادی‌هایی که اکنون زیرمجموعه اردکان قرار دارند، در گذشته بخشی از منظومه میبده‌اند.

۲. پیشینه تاریخی و لایه‌های باستانی: بررسی‌های باستان‌شناسی و آثار پراکنده نشان می‌دهد که حوزه هسته‌های زیستی میبده سابقه‌ای طولانی از عصر پارینه‌سنگی تا امروز دارد. پراکندگی آثار پیش‌ازتاریخ در جنوب تراس میبده، بیانگر تغییرات اکولوژیکی و زیست‌محیطی گسترده است و جریان پیوسته حدود شش هزار سال توسعه تاریخی در نارین قلعه و حوزه پایین‌دست شمالی آن کاملاً مشهود است.

۳. ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی: هسته‌های زیستی منظومه میبده از نظر ظرفیت‌ها و کارکردها یکسان نبوده‌اند. شارستان میبده به‌عنوان مرکز اصلی و مهرجرد و فیروزآباد به‌عنوان مراکز کوچک‌تر با تعامل متقابل، مدیریت روابط بین هسته‌های پراکنده را برعهده داشته‌اند. هرچند در دهه‌های اخیر با گسترش جمعیت و توسعه‌های صنعتی، بفروئیه و رکن‌آباد به نقاط کانونی جدید تبدیل شده‌اند، اما الگوی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان همچنان از ساختار کهن پیروی می‌کند.

۴. منظومه گسترده‌تر فرهنگی-تاریخی: میبده بخشی از حوزه کلان فرهنگی و جغرافیایی دشت یزد- اردکان است که دیگر منظومه‌های شهری مهم مانند یزد، مهریز و عقدا را در برمی‌گیرد و با آنها در تعامل مستقیم و غیرمستقیم قرار دارد. دشت یزد- اردکان نیز بخشی از محور تمدنی شمال غربی- جنوب شرقی ایران است که از بهم تا کاشان امتداد دارد و به‌عنوان رابطی میان حوزه‌های تمدنی شمال و جنوب عمل می‌کرده است.

با توجه به این عوامل، میبده به‌عنوان یک منظومه تاریخی گسترده قابل تعریف است که محدوده آن از شمال

به‌عنوان عرصه و حریم جداگانه برای هر یک مشخص می‌شوند.

برای حفاظت منظر شهری، محوطه‌های تاریخی به‌همراه مسیر قنات‌ها و مزارع خارج از حریم، به‌عنوان حریم منطری انتخاب می‌شوند. در این پیشنهاد:

۱. کل محدوده شهر میبده امروزی به‌عنوان حریم حفاظتی عرصه‌های موجود در شمال شارستان در نظر گرفته می‌شود، و برای محدوده‌های خارج از محدوده قانونی شهر (مانند بفروئیه، بدرآباد، رکن‌آباد، محمدآباد و غیره) حریم حفاظتی جداگانه تعیین می‌شود.

۲. برای نقاط اتصال حریم منطری محدوده شهر تاریخی میبده، می‌توان از محوطه‌های باستان‌شناسی شناسایی‌شده (تل مسگران، تل حسن‌آباد و بیده) و بناها و مجموعه‌های موجود در حریم، از جمله آسیاب امیرآباد در حد شمالی، آسیاب دوسنگی محمدآباد در حد جنوب‌غربی، آسیاب کچلک در حد غربی، فرودگاه نظامی متفقین در حد شمال شرقی، رباط پای حوض در حد شرقی و محوطه مزرعه کلاتر و جهان‌آباد در حد جنوب شرقی، بهره برد.

۹.۳. پیشنهاد سوم: تعیین عرصه و حریم بر اساس منظومه کهن شهرسازی میبده

این پیشنهاد تلفیقی از دو رویکرد قبلی است و بر کلیتی بزرگ‌تر متمرکز است که نظام کهن شهرسازی میبده را در قالب یک منظومه تاریخی معرفی می‌کند. دلایل و مبانی این پیشنهاد عبارت‌اند از:

۱. ساختار خوشه‌ای و هسته‌های زیستی: شهر میبده از نوع خوشه‌ای بوده و منظومه‌ای از هسته‌های زیستی پراکنده با مرکزیت شارستان را شامل می‌شود. شارستان به‌مثابه خورشید و مرکز ثقل این منظومه است. گستره جغرافیایی این منظومه از غرب و شرق به پدیده‌های طبیعی کوه و کویر و از شمال به مرز کنونی شهرستان اردکان می‌رسد.

۱. مرکز منظومه یا هسته درونی: کهن‌ترین پهنه‌های زیستی با مرکزیت نارین قلعه، محلات داخلی شارستان، باغات هم‌پیوند، مسیل‌ها، رودخانه‌های قدیمی، سرآب‌ها و توپوگرافی.

۲. هسته‌های میانی: شارستان به همراه هسته‌های کهن بارجین و بیده و پهنه پایین‌دست تراس طبیعی شامل محلات فیروزآباد، مهرجرد، خانقاه، کوچه‌باغ و باغات مرتبط.

۳. هسته‌های بیرونی: هسته‌های دور و نزدیک پراکنده با فاصله بیش از دو کیلومتر از مرکز، شامل آبادی‌هایی از شمال تا بفروئی و از جنوب تا کاظم‌آباد.

۴. هسته‌های پراکنده: نقاط و محوطه‌های باستان‌شناسی (تل مسگران، تل بیده، تل بارجین، آسیاب دوسنگی محمدآباد، قلعه و آسیاب کچلک) و آبادی‌هایی با فاصله زیاد خارج از لبه‌های منظومه (محمدآباد، جهان‌آباد، مزرعه کلانتر) که نیازمند مستندسازی و پژوهش‌های آتی هستند.

این سطح چهارم به‌عنوان حریم و با ایجاد یک حریم منظر و زیست‌محیطی می‌تواند از منظر حفاظتی، منظر شهری و اکولوژیکی، حمایت و حفاظت گردد. این حریم از شمال غرب با محوطه‌های باستان‌شناسی تل حسن‌آباد، بیده و کچلک، از شمال شرق با فرودگاه نظامی متفقین، از شرق تا محدوده رباط پای حوض و از جنوب تا محدوده جهان‌آباد و تل مسگران گسترده می‌شود و نقش مهمی در حفظ انسجام تاریخی، منظر و عملکرد شهری میبد ایفا می‌کند.

منابع

اسفنجاری کناری، عیسی. (۱۳۸۵). میبد شهری که هست: مجموعه پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل فرهنگی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

با مرز شهرستان اردکان، از جنوب با مرز شهرستان اشکذر، از شرق با کویر و از غرب با کوه‌ها و ارتفاعات طبیعی محدود می‌شود. این پهنه فراتر از مرزهای فعلی شهر میبد است و اهمیت آن در برنامه‌ریزی و حفاظت از بافت تاریخی و منظر فرهنگی شهر ضروری است.

۱۰. نتیجه‌گیری

عرصه و حریم به‌عنوان ابزارهای کلیدی در مدیریت یکپارچه حفاظت از ارزش‌های میراث فرهنگی عمل می‌کنند. تعیین حریم نه تنها باید با هدف حفاظت از بافت تاریخی صورت گیرد، بلکه باید سودمندی آن برای ساکنان و بهره‌برداران فعلی نیز مدنظر قرار گیرد. حریم باید به یک مفهوم پویا در میان جامعه محلی تبدیل شود، به‌طوری که نگاه از صرفاً یادمان تاریخی به بستر واجد ارزش آن تغییر یابد. با این حال، صرف تعیین حریم تضمین‌کننده حفاظت کامل بافت‌های تاریخی نیست و لازم است با برنامه‌های مدیریتی و حفاظتی مکمل، عملکرد حریم ارتقا یابد.

چارچوب حریم باید ویژگی‌های محلی و منحصر به فرد هر سطح را مدنظر قرار دهد. مهم‌ترین هدف تعیین حریم بافت تاریخی، حفظ ارزش برجسته آن بافت است. در ایران، اگرچه استفاده از حریم فراگیر شده، اما توجه کافی به منافع جامعه محلی نشده است که این امر موجب نارضایتی و کاهش اثربخشی اهداف حفاظت می‌شود. در میبد، بافت‌های تاریخی پراکنده در میان بافت معاصر و عوامل مختلف شهری همواره در معرض تغییر هستند، بنابراین نگاه فرآیندمحور به جای محصول‌محور ضروری است.

با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد میبد، از جمله وجود آثار تاریخی متعدد، باغات هم‌پیوند و تعامل با محیط طبیعی پیرامونی، سه گستره اصلی برای برنامه‌ریزی شهری باید دیده شود: محیط طبیعی، محیط مصنوع و فرآیندهای اجتماعی-انسانی. تمامی محلات و پیرامون آنها باید به‌صورت یک کل واحد در نظر گرفته شوند، نه به‌صورت منفرد.

بر اساس مطالعات انجام‌شده، منظومه شهر تاریخی میبد شامل چهار سطح است:

Australia ICOMOS. (1992). *The illustrated Burra Charter*. Sydney: Australia ICOMOS. Retrieved September 2012, from <http://australia.icomos.org/publications/charters>

Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S., & Smith, G. (1985). *Responsive environments*. Oxford: Architectural Press.

Chairatananonda, Panayu. (2011). The integration of the process of buffer zone delineation and the process of urban land use planning for historic urban conservation. *Research Journal of Rajamangala University of Technology Srivijaya*, 8, 27–100.

Lake, Charlotte L. (2015). *Buffer zone at World Heritage Sites: Recommendation for implementation and monitoring based on the French experience*. University of Florida.

Marshall, Duncan. (2011). *Preparing World Heritage nominations*. Paris, France: UNESCO.

Mayor of London. (2012). *London view management framework: Supplementary planning guidance*. London: Greater London Authority.

<https://www.london.gov.uk/file/7988/download?token=YJoKa7Uk>

Thompson, Ian H. (2005). *Ecology, community and delight*. London: Taylor & Francis Group.

اشرف، احمد. (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. نامه علوم اجتماعی، ۱۱(۱)، ۵۰-۸۰.

افشار، ایرج. (۱۳۷۴). یادگارهای یزد (جلد ۱). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

پرونده ثبتی میبد. (۱۳۷۹). تهران: اداره کل ثبت سازمان میراث فرهنگی کشور. منتشر نشده.

پویا، عبدالعظیم. (۱۳۹۵). سیمای باستانی شهر میبد. میبد: دانشگاه آزاد میبد.

حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۵). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.

حیدریه زاده، محمود. (۱۳۵۷). بلوک میبد. تهران: نشر میبد.

ذاکرعاملی، لیلا. (۱۳۸۵). کهن شهر کویر. یزد: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد، انتشارات نقش خورشید.

رضوانی، حسن. (۱۳۸۹). گزارش بررسی باستان‌شناسی میبد. میبد: پایگاه پژوهشی میبد. منتشر نشده.

ریاحی مقدم، ساشا. (۱۳۹۱). بیانیه وین در مورد میراث جهانی و معماری معاصر: مدیریت منظر شهری تاریخی. مجله منظر، ۱۸، ۲۰-۳۱.

فلاح، علیرضا. (۱۳۸۰). نظری اجمالی بر آبادی‌های بیرونی شارستان قدیم میبد. میبد: پایگاه پژوهشی میبد. منتشر نشده.

کشمیری، هادی، پیوسته گر، یعقوب، قاسم، محمد. (۱۳۹۵). ارائه الگوهای روش تحقیق ترکیبی در شهرسازی. فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، ۵(۱۸)، ۳۱-۵۲.

مهندسین مشاور عرصه. (۱۳۹۵). طرح جامع شهر میبد. میبد: منتشر نشده.